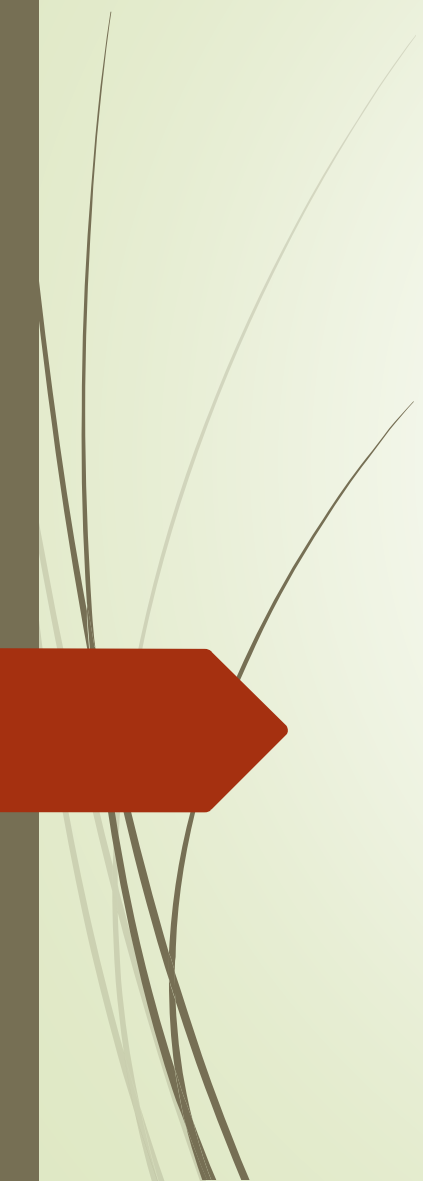


اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ



تعریف اختیار

بر مبنای استاد سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی (ره)

تغییر مبنای فلسفی

- ❑ عدم امکان تعریف اختیار بدون تغییر مبنای فلسفی
- ❑ شرح اجمالی از مبنای فلسفی استاد حسینی (ره)
- ❑ کاربردی بودن جزوه طبقه‌بندی روند، ارکان و مدل
- ❑ مواجهه بودن هر فیلسوفی با سه مسأله اصلی
 - ❑ نسبت میان وحدت و کثرت
 - ❑ نسبت میان زمان و مکان
 - ❑ نسبت میان آگاهی و اختیار
- ❑ تغییر مبنای فلسفی برای پاسخگویی به سه مسأله فوق

دلیل تغییر مبنای فلسفی

❑ ناتوانی توصیفی اصالت ذات

❑ امتناع تعریف نسبت میان وحدت و کثرت

❑ وحدت مطلق یا این‌همانی

❑ کثرت مطلق یا تباین به تمام ذات

❑ ناتوانی توصیفی اصالت ربط

❑ امتناع تعریف نسبت میان زمان و مکان

❑ ایستایی مطلق و نفی حرکت و تغییر

❑ تبدیل شدن زمان به یکی از ابعاد مکان

❑ ناتوانی توصیفی اصالت تعلق

❑ امتناع تعریف نسبت میان آگاهی و اختیار

❑ منتهی شدن به ایستایی با نقشه ثابت و پایان یافتن حرکت

❑ پیدایش مبنای اصالت فاعلیت با محور بودن اختیار

اصالت ربط

- کیفیت و آثار خارجی موجودات منتسب به ذات آنها نیست
- در صورت انتساب آثار و عوارض به ذات، تغییر محال می‌شود
- در صورت اختصاص آثار به ذات، ارتباط ما با اشیاء قطع می‌شود
- با اصالت ذات ما هیچ درک و فهمی از اشیاء نخواهیم داشت
- اصالت ذات به انفصال و تباین مطلق موجودات منتهی می‌شود
- ارتباط علت با معلول قطع شده و رابطه علت با مشکل مواجه می‌شود
- نسبت میان اشیاء و ربط میان آنهاست که کیفیات را تولید می‌کند
- مکان و زمان شیء تغییر کند، عوارض نه‌گانه آن تغییر می‌کند
- جاذبه و فشار موجودات پیرامونی‌ست که وضعیت هر موجود را تعیین می‌کند
- درک ما از اشیاء تابع نسبت میان ما و آنهاست

اصالت تعلّق

- اصل بودن ربط در پیدایش کیفیات، به ثبات و ایستایی منجر می‌شود
 - تمام ارتباط‌ها وجود دارد و تغییر نمی‌کند
 - هیچ ربط جدیدی پدید نمی‌آید و ربطی قطع نمی‌شود
 - آن‌چه ما تغییر می‌نامیم در حقیقت همین الآن وجود دارد
 - آینده تبدیل می‌شود به مکانی که ما قادر به درک فعلی آن نیستیم
 - تمام موجودات یک بُعد مکانی چهارم پیدا می‌کنند که نام آن زمان است
 - زمان نفی می‌شود
- ایجاد ربط میان دو موجود نیاز به میل و کششی از دو طرف دارد
 - ربط در صورتی پدید می‌آید که موجودات میل به ترکیب با هم داشته باشند
 - هر شیء میل ترکیبی با بعضی از اشیاء دارد
 - در صورتی که میل ترکیبی به برقراری ربط منتهی شود تغییر رخ می‌دهد

اصالت فاعلیّت

- پایان یافتن تمام تغییرات در صورت تغییر نکردن میل
- اگر میل ترکیبی دلیل برقراری ربط باشد حرکت تمام می‌شود
- تمام ربط‌های بالقوه به تدریج بالفعل شده و ایستا می‌شود
- سرعت تغییرات کاهش یافته و به صفر می‌رسد
- حرکت تمام اجزای عالم کندشونده خواهد بود
- حالت و میل درونی موجودات تغییر می‌کند
- هیچ موجودی قادر به تغییر درون خود نیست
- میل ترکیبی درونی موجودات توسط فاعل مافوق آن‌ها متحوّل می‌شود
- دلیل تصرف فاعل مافوق در حالات مادون به دلیل تصمیمات مادون است
- هر فاعلی در گستره‌ای تعیین شده از مافوق دارای اختیار است
- هر اختیار، تصمیم و فعلی تبدیل به قانون و رابطه علیّت خاصّ برای مادون می‌شود
- فاعل مافوق در صورت هماهنگ یافتن تصمیمات مادون، قدرت او را توسعه می‌دهد
- ناهماهنگی تصمیمات فاعل مادون با میل مافوق، کاهش قلمرو اختیار را در بر دارد
- با اصالت اختیار و فاعلیّت، حرکت هرگز تمام نمی‌شود و پایان نمی‌یابد

تعاریف اختیار

- ❑ تعریف اختیار به امکان فعل و ترک؛ امکان اطاعت و عصیان
- ❑ تعریف منطقی اختیار به: وجودی که تحت ضرورت نسبت عمل نمی کند
- ❑ تعریف اختیار به له أن يفعل و له أن لا يفعل
- ❑ تعریف اختیار به حاکمیت بر ربط
- ❑ تعریف اختیار به نقیض کیفیت؛ سلب کیفیت های متعدد
- ❑ تعریف اختیار به محصول کیفیت؛ اصل گرفتن کیفیت در اختیار
- ❑ تعریف اختیار به منشأ کیفیت؛ محصول بودن کیفیت برای اختیار
- ❑ تعریف شخص مختار به اختیار به علاوه کیفیت
- ❑ اختیار به عنوان اساس پیدایش نسبت ها و تناسبات عینی
- ❑ تعریف اختیار به تعلق به ولایت؛ طلب تصرّف
- ❑ تعریف اختیار به طلب نیابت و طلب تصرّف و تعلق به ولایت

الزامات تعریف صحیح از اختیار

- ❑ قابل تعریف نبودن اختیار بدون تعریف فاعلیت و ولایت
- ❑ اصل بودن نظام ولایت در پیدایش و توسعه اختیار
- ❑ دارای اختیار بودن جمیع مراتب ولایت
- ❑ ضرورت تعریف اختیار به نحو غیر تفویضی و غیر جبری
- ❑ اصل بودن اختیار در جهت گیری بشر
- ❑ قدرت بر طلب؛ نازل ترین تعریف برای اختیار
- ❑ طلب ولایت و نیابت؛ طلب نیابت ملکوتی یا طلب نیابت حیوانی
- ❑ طلب تصرف در سایر موجودات
- ❑ امکان تصرف قدرت الطلب در عینیّات؛ به واسطه امداد شدن
- ❑ اختیار به معنای قدرت بر جعل و خلق
- ❑ تعریف شدن جبر در ذیل اختیار، در تعریف اختیار به طلب نیابت و خلافت

محوریت اختیار

- ❑ **تنافی اختیار و علیّت**
 - ❑ ناسازگاری علیّت تجریدی با تمامی تعاریف اختیار
 - ❑ ضرورت وجود رابطه علیّت به معنایی غیر تجریدی و غیر انتزاعی
- ❑ **تنافی اختیار با اصالت ذات و کیفیت**
 - ❑ محصول بودن کیفیت برای اختیار؛ اختیار موجد کیفیت
 - ❑ عدم امکان جمع منطقی میان اصالت ماهیت و اصالت وجود با اختیار
- ❑ **تبعیت علم و آگاهی از اختیار**
 - ❑ نیاز حصول تدریجی علم به اختیار
 - ❑ امکان رشد تمامی علوم و زیاده و نقصان، به دلیل حضور و تأثیر جهت اختیار در آنها
 - ❑ تحقق اختیار همراه با علم اجمالی و متأخر بودن تبیین علم اجمالی نسبت به اختیار

محوریت اختیار

■ نیاز تکامل و رشد به اختیار

■ ضرورت وجود اختیار برای تحقق پرستش

■ ضرورت اعطای اختیار به مخلوق، در صورت خلق او به عنوان خلیفه

■ تعریف قرب الی الله به توسعه اختیار از طریق شکر منعم

■ تفاوت اختیار با انتخاب

■ اختیار به معنای انتخاب جهت؛ پیش از تحقق آگاهی

■ انتخاب به معنای سنجش دو راه موجود با یکدیگر؛ پس از تحقق آگاهی

■ تفاوت انتخاب به معنای بهینه‌گزینی با اختیار به معنای حاکمیت بر جهت

■ اختیار به معنای حاکمیت بر قانون و تفاوت اساسی آن با انتخاب

■ تبعیت ماده و معادلات فیزیک از اختیار

■ تبعیت «اشعه» از اختیار انسان؛ به عنوان مبنای علم فیزیک در تشعشع، تموّج و تجسّد

■ حضور اختیار انسان در سطح مولکولی، با توجه به تبعیت اشعه از اختیار انسان

■ فیزیک حیات به مثابه علم مطالعه قاعده‌مند و ریاضی‌شده رفتار اختیار

محدودیت اختیار

- مطلق نبودن امداد برای قدرت‌الطلب و محدود بودن آن به مشیت بالغه
- عدم امکان مخالفت اختیار با مراتب اشتداد عالم
- عدم امکان تناقض اختیارات در مراتب مختلف؛ با تعریف اختیار به طلب ولایت
- بازگشت اختیار به فاعلیت ترکیبی عبد و حضرت حق
- مقید و محدود بودن اختیار به شاء منصب بالاتر
- نیاز اختیار به بستر و زمینه برای ظهور و پیدایش

سطوح اختیار

- قدرت‌الطلب؛ عنوان نازل‌ترین مرحله اختیار در شناخت‌شناسی
- تقسیم اختیار به سه طبقه: محوری، تصرفی و تبعی
- اختصاص اختیار محوری به فاعلیت حضرت حق و معصومین(ع) به عنوان اولیاء نِعَم
 - محوریت اختیار حضرت حق در تکوین عالم
 - محوریت اختیار معصومین(ع) در تاریخ
- اختصاص اختیار تصرفی به انسان و جامعه و اختیار تبعی به غیرانسان
- حضور اختیار یک انسان در اختیار دیگری، در جهت پیدایش موجودات تبعی
- سه عنصر «سرعت، دقت، تأثیر» به عنوان شاخصه‌های توسعه اختیار در نظام کثرت اختیارات

السلاطین و الملک